

جامعه خشن و انتقام‌جو

عبدالصمد خرمشاهی

در مورد پرونده آرمان عبدالعالی به هر حال حکم قصاص اجرا شد و به هیچ طریق دیگر نمی‌توان مسائل را واکاوی کرد، چون حکم اجرا و پرونده بسته شد. فقط مساله‌ای که در این میان ذهن مرا به خود درگیر کرده، این است که روحیه خشن و انتقام‌جو در بین افراد جامعه زیاد شده است تا حدی که بسیاری از مردم در جامعه بعد از اجرای حکم قصاص آرمان ابراز خوشحالی کردند. این موضوع جالب نیست و قابل تامل است. باید ریشه‌یابی شود که چرا در يك جامعه برخی افراد اینقدر روحشان تمایل به خشونت دارد.

آستانه صبر و تحمل بسیاری از مردم پایین آمده است و نمی‌توانند با همدیگر در يك جامعه مدارا کنند. خصیصه‌هایی مانند بخشش، گذشت و مهربانی در میان افراد جامعه کمرنگ شده است و جای آن را خشونت و انتقام گرفته. خشونت در جامعه نیز معلول واقعیت‌هایی است که در آن جامعه وجود دارد. اما سوال اینجاست که چرا افراد جامعه باید تمایل به خشونت و اجرای خشونت داشته باشند.

بعد از اینکه صدور اجرای حکم قصاص آرمان عبدالعالی در پرونده‌اش قطعی شد و او به قرنطینه برده شد، قوه قضاییه دیگر نقشی نداشت و تمام اختیار تصمیم‌گیری در راستای اجرای حکم و اجرا نکردن حکم به عهده اولیای دم بود. اینکه آرمان چندین بار به انفرادی منتقل می‌شد خودش مجازات مضاعف به حساب می‌آمد و فشارهای روحی زیادی در آن لحظه به او وارد می‌شده است.

خواسته یا ناخواسته، طبیعتاً شکنجه روحی به او اعمال می‌شده است. حتی اگر بگوییم این موضوع به دلیل تلاش نجات جان او و ایجاد فرصت برای تصمیم‌گیری به اولیای دم بوده، ولی او تحت شکنجه روحی قرار می‌گرفته است. امیدواریم در سایر پرونده‌های قصاص این مساله تکرار نشود، چون تحمل آن بسیار سخت است.

وقتی صحبت از قانون مجازات اسلامی می‌کنیم، این قانون وجود دارد که قصاص باید توسط اولیای دم اجرا شود و این قانون برگرفته از مجازات فقه اسلام است. در سایر جوامع در خصوص اجرای حکم قصاص تصمیمات دیگری می‌گیرند. به عنوان مثال در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی نیز مجازات‌هایی مانند حبس ابد به محکومان داده می‌شد و در اجرای حکم قصاص نقش اولیای دم کمرنگ‌تر بود.

این قانونی است که از مجازات فقه اسلامی گرفته شده است و وجود دارد اما در این میان باید فرهنگ مدارا، بخشش و گذشت در جامعه گسترش پیدا کند و این عملی نخواهد شد تا زمانی که بسیاری از معضلاتی که در جامعه وجود دارد، رفع شود. فرهنگ مردم را هم نمی‌توان با خواهش و تمنا، نصیحت و موعظه درست کرد. فرهنگ مردم نیاز به آموزش دارد و رسانه‌ها نیز در این میان نقش اساسی را ایفا خواهند کرد. در این میان مشکلات معیشتی مردم و ناامیدی باید کمرنگ و امید به زندگی و رفاه در جامعه بیشتر شود. درست این است که فرهنگ مردم در جامعه به سمت مدارا با یکدیگر، بخشش و گذشت حرکت کند.